



## درباره نام اصفهان

اصفهان با گستردگی نزدیک به ۲۵۰ کیلومتر مربع، اقلیمی باستانی و کهن است که در طول تاریخ به نام‌های متفاوتی از جمله آپادانا، آسبهان، اسپهان، اسپانتا، آسپادانا، آسپدانه، آسپدان، اصباهان، اصهان، جی، پارتیاکن، پارتاک، گابایاکی، گایبه و نام‌های دیگر معروف بوده است. ایرج افشار سیستانی در بررسی نام اصفهان می‌نویسد: بر اساس نظر برخی محققان، از آنجایی که این ناحیه در دوره باستان و به‌ویژه در دوره ساسانیان مرکز تجمع سپاهیان از مناطق جنوبی کشور بوده، این محل به نام اسپهان نامیده شده که بعدها به صورت اصفهان تغییر شکل یافته است.

در میان نام‌های اصفهان به واژه «جی» نیز بر می‌خوریم که در دوره ساسانیان ظاهراً به بخش و یا تمامی این منطقه اطلاق می‌شده است.

## سیر تاریخی اصفهان

تا همین اواخر، بسیاری از مورخان و باستان‌شناسان بر این باور بودند که تاریخ شهر اصفهان به بیش از دوره مادها نخواهد رسید. اما کشفیات اخیر در بستر رودخانه «زاینده رود» و کشف تپه‌ها و غارهای باستانی، نشان داد که قدمت این شهر باید به آغاز دوران شهرنشینی در هزاره چهارم قبل از میلاد باز گردد. شایان ذکر است که در محوطه‌های باستانی، آثاری مربوط به دوره عیلامی میانی و عصر آهن و مادها نیز یافت شده است.

نزدیکی منطقه اصفهان فعلی به شهرهای مهمی همانند هگمتانه، پاسارگاد، استخر و تخت جمشید، شاید از جمله دلایلی است که رد پایی از اصفهان به مانند یک شهر مستقل در دوره باستان و به‌ویژه در دوران هخامنشی و اشکانیان یافت نمی‌شود. اما این ناحیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در میان ناحیه حاصل خیز زاگرس از قدیم مورد توجه بوده است. به نظر می‌آید که هخامنشیان در این محل کاخ‌ها و باغات ویلاقی داشتند، ساسانیان نیز از این منطقه به عنوان پادگان نظامی و محلی برای تجهیز سپاهیان استفاده می‌کردند. شاید همین امر و وجود نیروهای محافظ در این شهر بوده که برخی را به این موضوع معتقد کرده است که اصفهان در دوره ساسانیان، همانند تبریز در دوره قاجار، ولیعهدنشین و مقر جانشینان حکومت بوده است.

شهر اصفهان در زمان خلافت خلیفه دوم در سال ۲۱ یا ۲۳ هجری قمری، به دست مسلمانان فتح شد و تا چند سده توسط حاکمانی که از سوی خلفا انتخاب می‌شدند، اداره می‌شد.

در حدود سال ۳۰۱ قمری، شهر اصفهان به تصرف سامانیان درآمد، اما گسترش و آبادی واقعی آن از زمان دیلمیان آغاز شد.

در سال ۳۱۹ قمری، اصفهان توسط مرداوینج به پایتختی انتخاب شد و پس از او رکن الدوله دیلمی، ضمن انتخاب مجدد شهر به پایتختی، در آبادی و گسترش آن همت بسیار به خرج داد.

اصفهان در زمره شهرهایی بود که سلطان محمود غزنوی تنها چند ماه قبل از مرگش در سال ۴۲۱ آن را به تصرف خود درآورد. پس از غزنویان نوبت سلجوقیان بود تا بخت خود را در اصفهان محک بزنند، اما تصرف شهر از سوی طغرل سلجوقی در سال ۴۴۲ به ویرانی آن انجامید. طغرل به اصفهان دلبستگی بسیار داشت، پس برای نوسازی و بازسازی ویرانه‌ها و جبران خسارت، مبلغ گزافی را اختصاص داده و تا سه سال مردم شهر را از پرداخت مالیات معاف کرد. او پایتخت خود را از ری به این شهر منتقل ساخت. با وجود این، ملک‌شاه و وزیرش خواجه نظام الملک بودند که به اصفهان اعتباری دیگر بخشیدند، به‌صورتی که نه تنها جمعیت شهر به دو برابر رسید، بلکه محدوده و وسعت آن نیز در مقایسه با دوره‌های قبل گستردگی بسیار یافت.



پایتخت‌های ایران در طول تاریخ

# اصفهان



اصفهان و قدرت صفویه هرچند پس از دوران شاه‌عباس رو به افول نهاد، اما این شهر تا پایان حکومت شاه سلطان حسین و حمله افغان‌ها همچنان به‌عنوان مرکز حکومت باقی ماند. حمله افغان‌ها و تصرف اصفهان پس از جنگ «گلون آباد» در سال ۱۱۳۴ هجری قمری، عاقبتی شوم برای مردم و شهر داشت: شهر بار دیگر ویران شد و مردم قتل عام شدند.

در دوره‌های بعد، یعنی طی حکومت‌های افشاریه و زندیه، اصفهان بسیار مورد بی‌مهری قرار گرفت و در نهایت با روی کار آمدن قاجارها و انتقال پایتخت به تهران، بسیاری از بناها و مکان‌های تاریخی شهر رو به تخریب گذاشتند، تا جایی که ظل السلطان، پسر ناصرالدین شاه، بسیاری از عمارت‌های شهر را که در کنار زاینده‌رود قرار داشتند و هر کدام نمونه‌ای بی‌همتا از هنر معماری بودند، ویران و مصالح آن‌ها را برای ساخت کاخ خود به تهران انتقال داد.

اصفهان در دوره پهلوی با بازسازی بناها و آثار قدیمی، به یکی از قطب‌های جهانگردی ایران تبدیل شد. راه اندازی کارخانه‌های ریسندگی و بافت پارچه و کارخانه ذوب آهن، اصفهان را به شهری صنعتی تبدیل کرد.

پس از پیروزی انقلاب، اصفهان بار دیگر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز گردشگری در ایران مورد توجه قرار گرفت. بازسازی و نوسازی ابنیه تاریخی شهر و آن دسته از بناهایی که در اثر جنگ تحمیلی دچار خسارت شده بودند، در اولویت قرار گرفت. گسترش ساخت مراکز رفاهی، تفریحی و سیاحتی، مانند آکواریم بزرگ اصفهان، و همچنین راه‌اندازی قطار شهری و توجه به زنده ماندن «زاینده رود» از جمله اقداماتی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه دولتمردان قرار داشته است.

## فقط زنده‌رود زنده ماند

اصفهان در حمله مغولان و پس از آن تیموریان خسارت‌های بسیار دید. به‌ویژه در دوره امیر تیمور، پس از تصرف شهر در سال ۷۹۰، به‌دستور حکمران گورکانی نزدیک به ۷۰ هزار نفر از مردم شهر را سر بریدند و از این سرها، مناره‌ای برپا کردند. این کشتار آن‌چنان بود که نویسنده «حبیب السیر» نوشته است که در اصفهان جز زنده رود، کسی زنده نماند.

## اصفهان اوج شکوفایی

هرچند حکام صفویه ابتدا شهرهای تبریز و قزوین را به عنوان پایتخت و مقر حکومت خود انتخاب کرده بودند، اما دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی باعث شد تا شاه عباس در سال ۱۰۰۰ قمری، اصفهان را به‌عنوان مرکز حکومت و پایتخت خود انتخاب کند. شاه عباس علاقه بسیار خاصی به اصفهان داشت و همین امر باعث شد این شهر در دوران او به اوج شکوه و جلال خود برسد و به مرکز تجمع هنرمندان، دانشمندان، فلاسفه و علمای شیعه تبدیل شود. اقدامات شاه عباس اصفهان را به سرعت به شهری پر جمعیت و پر رونق تبدیل کرد. آوازه و شهرت اصفهان در این زمان تا آنجا پیش رفت که حکمرانان کشورهای اروپایی، سفرای تجاری و سیاسی متعددی به دربار صفویه گسیل کردند و جهانگردان و سیاحان بسیاری، مانند تاورنیه و شاردن، از این شهر دیدار کردند و توصیفات بسیاری در کتاب‌ها و خاطرات خود به رشته تحریر درآوردند. بنا به نوشته شاردن که در نیمه آخر قرن ۱۷ میلادی مدت‌ها در اصفهان زندگی کرده است، جمعیت شهر ۶۰۰/۰۰۰ تن و تعداد دهکده‌های آباد در حومه آن نزدیک به ۱۵۰۰ پارچه بوده است.